

# بفرمان مطاع مبارک ایحضرت همایون شاهنشاه آریما

بناسبت نهمین سال ولادت بوریحان بیرونی و کنگره جی بی بی همایون دینش بزرگ ایرانی  
از تاریخ بیست و نهم شهریور ماه تا پایان دوازدهم اسفندماه و در تهران تشکیل میگردد.

کنگره جهانی ابوریحان  
بیرونی، از ۲۵ شهریور تا اول  
مهر ۱۳۵۲ در طهران به پایمردی  
وزارت فرهنگ و هنر تشکیل یافت  
و در حدود هشتاد تن از محققان  
ایران و جهان درباره افکار و آثار  
بیرونی سخن راندند.



در جلسه افتتاحیه نخست،  
پیام اعلی حضرت همایون شاهنشاه  
آریما مهر بوسیله جناب وزیر دربار  
اسدالله علم خوانده شد. عبارات  
و مضامین پیام بسیار مناسب و بیجا  
بود. بعد هم جناب هویدا نخست  
وزیر در سخنرانی جامعی گنجاند  
که ابوریحان هر چند ایرانی اصیل  
است ولی متعلق به تمام دنیاست،  
و سزاوار است ملت ها و مجامع

انسانی باو بیالند. خطابه های ایراد شده گویا در مجموعه ای خاص انتشار می یابد و ممکن  
است مجله یدما بعضی از آن ها را درج کند. در این شماره مقاله ای است در این موضوع از  
آقای دکتر حسین خدیو جم رئیس کتابخانه «فرهنگستان هنر و ادب» که بدعوت اتحاد جماهیر  
شوروی بدان کشور مسافرت کرده است.

## برای هزاره بیرونی

### چه کردند؟ چه کردیم؟

هنوز هنگام نگارش تاریخچه دقیق این جنبش علمی و بزرگداشت معنوی برسیده است. گرچه تلاش همه جانبه شورای عالی وزارت فرهنگ و هنر سبب شد که دانشوران آن سوی مرزهای ایران امروز نیز در این سال به یاد ابوریحان نابغه جهانی و بزرگ استاد دانش و فرهنگ ایرانی جشنها برپا سازند و بزمها بپارایند، اما کار جشنها و نگارش مقاله‌ها و به سامان رسانیدن ترجمه و تصحیح همه آثار ابوریحان هنوز نیمه تمام است. باید درنگ کرد تا این کشت امید به خرمن برسد و گفته‌ها و نوشته‌های مبتکران راست گفتار و مدعیان پخته خوار این کنگره‌ها در دسترس قرارگیرد تا تفکیک سخن‌های سره از ناسره امکان پذیر بوده باشد.

ناتمامی جشنها از آن روست که در بهار امسال دانشوران افغانی در شهر کابل به یاد ابوریحان کنگره‌ای برپا ساختند و دکتر سید جعفر شهیدی و دکتر مهدی محقق را از ایران فراخواندند تا همدلی و همزبانی خود را در این زمینه یاد آور شوند.

دانشمندان مسلمانان و خاور شناسان کشور دوست و همسایه ایران و اتحاد جماهیر شوروی، نیز از دوازدهم تا بیستم شهریور ماه امسال به یاد ابوریحان در شهرهای مسکو و تاشکند و دوشنبه، به ترتیب تاریخی، محفل آرائی کردند، و حاصل پژوهش‌های خود را در این محافل به زبان‌های روسی و ازبکی و فارسی عرضه داشتند، فهرست برخی از این مقالات توسط استاد میرزایف در کنگره تهران روایت شد و مشخصات همه آنها به زبان روسی چاپ و منتشر گشته.

کنگره بزرگداشت بیرونی در تهران از تاریخ ۲۵ شهریور ماه آغاز شد و مدت هشت روز ادامه یافت، در این کنگره جهانی، به گواهی نوشته دبیرکل کنگره، هشتاد تن از دانشمندان ایران و جهان - که ۳۳ نفر ایرانی و بقیه از نوزده کشور دیگر و غیر ایرانی بودند - گرد آمدند و مقالاتی خواندند که امید است در میان آنچه دیگران کرده‌اند و خواهند کرد بهترین بوده باشد...

کشورهای سوریه و پاکستان نیز سرگرم تهیه مقدمات بزرگداشت هزارمین سال‌میلاد ابوریحان بیرونی هستند که گویا تا پایان امسال تلاش دانشوران این دو کشور به سامان خواهد رسید. پس باید چشم به راه بود تا معلوم شود بیرونی شناسان کدام کشور در این مسابقه علمی در صف نخستین جای می‌گیرند؟ البته این داوری شایسته کسانی است که خویشن را همچون بیرونی از تمسبها بدور دارند، و پای از جاده دانش و انصاف و مردمی بیرون نگذارند...

اما انگیزه نگارش این گزارش:

نخست آن که چون از دیرباز برای هر کنگره‌ای که در آن شرکت کرده‌ام به تناسب موقع و مقام گزارشی مفصل یا مختصر نوشته‌ام. نادیده گرفتن جانب استاد و آزاده‌ای چون ابوریحان بیرونی برایم گناهی نابخشودنی می‌نمود.

دیگر آن که به گواهی ترجمه‌های متعددی که از کتابهای علمی کرده‌ام و مقالات بسیاری که در زمینه تاریخ علم در اسلام نوشته‌ام، تنی چند از استادانی که صلاحیتیم را باور دارند و از دستبردهایی که به حاصل زحماتم زده شده آگاهند، یاد آور شدند که باید از کارهای ارزنده‌ای که به همت دانشوران امانت دار بدین مناسبت انجام شده ستایش نمود تا آیندگان بدانند که حقیقت جو کیست و مدعی کدام است؟

البته این بحث باید بماند تا کارهای نیمه تمام این کنگره به انجام برسد.

خوشبختانه در همه جلساتی که در شهرهای مسکو و تاشکند و دوشنبه به نام بیرونی تشکیل شد حاضر بودم. ولی به سبب نبودن وسیله بازگشت به ایران، همچون مردمی که از کاروان وامانده‌اند ملول شدم.

سرانجام به مقصود رسیدم، اما کمی دیر شده بود، یعنی تنها از مقالات ارزنده‌ای که در دو روز اخیر این کنگره جهانی خوانده شد بهره‌ور گشتم، پس اگر در پیرامون جلسات این کنگره سخن بگویم، این سخن مربوط به همین دو روزی است که شخصاً در آن حاضر و ناظر بوده‌ام.

اما سفر به شوروی: اوایل تیرماه امسال دعوتی از فرهنگستان علوم اتحاد شوروی رسید و از سوی وزارت فرهنگ و هنر رخصتی رفت تا بتوانم در شمار سخنگویان کنگره ابوریحان بیرونی درآیم. روز یازدهم شهریور این سفر آغاز شد. در صحبت صادق چوبک و هوشنگ ابتهاج، از راه هوا رهسپار مسکو شدیم. در این شهر همسفران به گروه شاعران و نویسندگانی پیوستند که قرار بود در «الماآتا» پایتخت جمهوری قزاقستان اجتماع کنند، و من با دوستان ابوریحان بیرونی که در مسکو گرد آمده بودند یار و همدم شدم.

چون میهمان فرهنگستان علوم بودم، مرا در هتل دانشکده علوم جای دادند و دو همزبان برایم نامزد کردند تا در رفت و آمد راهنما و در گفت و شنود، گوش و زبانم باشند. جلسه افتتاحیه این کنگره در «تالار پرستون» شهر مسکو تشکیل شد. ریاست این جلسه را آکادمیسین فدوسیف رئیس فرهنگستان برعهده داشت و گروهی در حدود پنجاه تن از استادان رشته‌های مختلف علوم در صدر مجلس، جای گرفته و همچون مستمان سراپا گوش شده بودند. تعداد مردمی که برای شنیدن زندگینامه بیرونی در این تالار بسیار بزرگ گردآمده بودند فراوان بود، هم گامی و هم آهنگی استادانی که به ترتیب مرتبه و مقام علمی جای گرفته بودند رونق این بزم علمی را دوچندان کرده بود.

بر دیوار این تالار تصویر خیالی، بزرگ و رنگین، از سیمای ابوریحان نصب شده بود که تا حدی می‌توانست نمایشگر روح بزرگ و اراده استوار و دانش سرشار این بزرگمرد بوده باشد. جامعه دهقانی و دستار خراسانی این تصویر به چهره مردانه و چشمان نافذ و بینی کشیده و ریش به اندازه و اندام موزون ابوریحان وقار و جلالی خاص می‌بخشید، با اینهمه

به یاد سرینجه هنر آفرین شادروان حسین بهزاد افتادم که اگر زنده بود تنها کسی بود که می‌توانست برای این جاودانه مرد چهره‌ای ترسیم کند که تماشایش آشنا و بیگانه را دلنشین باشد.

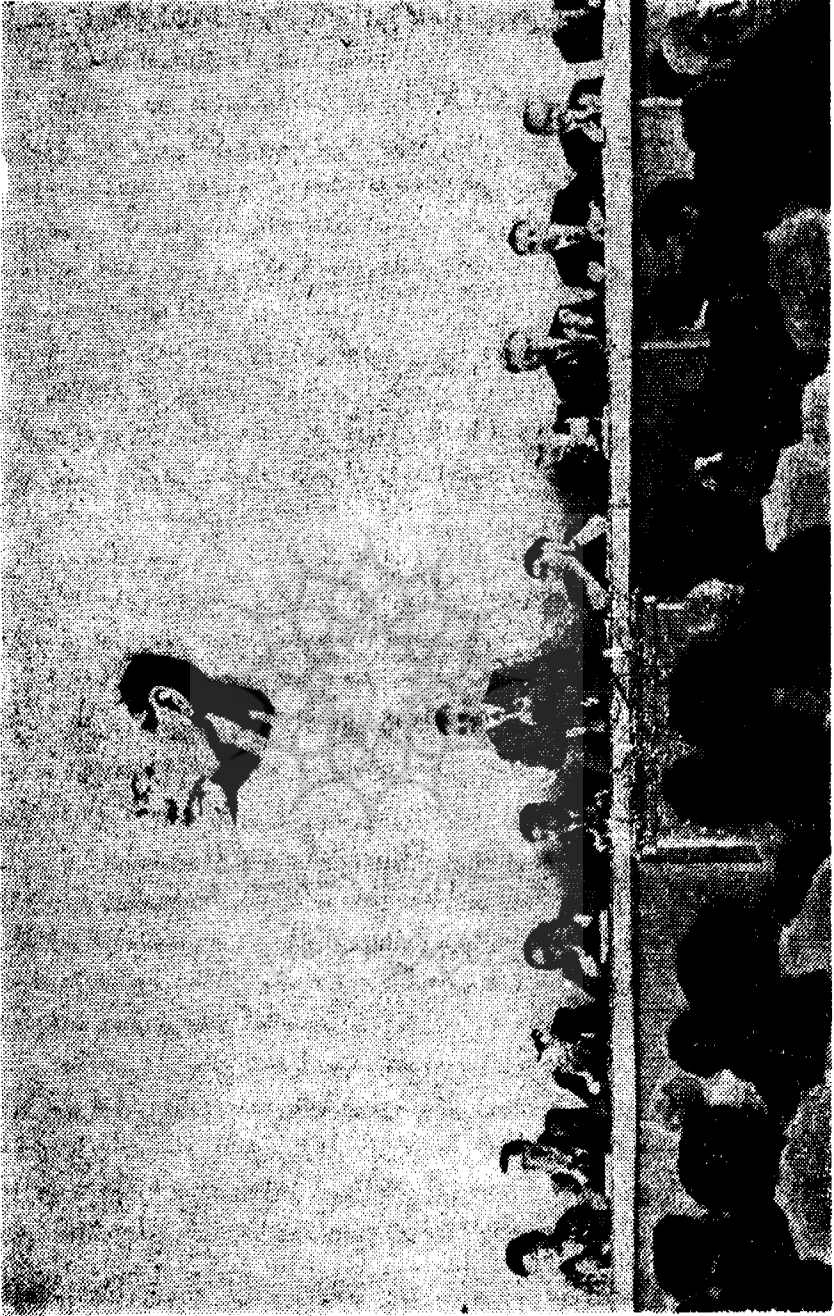
گوشم به دهان مترجم بود، در ضمن حال و هوای مجلس را زیر نظر داشتم تا آنکه آخرین سخنران لب فرو بست و با کف زندهای پی در پی پایان نخستین جلسه بزرگداشت بیرونی اعلام شد. آنگاه لحظه‌ای چند صرف معارفه با رئیس کنگره و برخی از دانشوران شد، سپس به تماشای باله دریاچه قو رفتم. نزدیک نیمه شب به هتل باز گشتم.

روز بعد در صحبت دیگر میهمانان رهسپار شهر تاشکند، پایتخت جمهوری ازبکستان شدیم. عابد صادق اف، رئیس فرهنگستان این جمهوری با گروهی از دانشوران ازبک در فرودگاه به استقبال آمدند و پس از خوش آمدگویی همه را به شهر بردند و در هتل تاشکند جای دادند. با آنکه هوا پیمایش از نیمه شب از مسکو پرواز کرد، چاشتگاه روز بعد در فرودگاه تاشکند بر زمین نشست. زیر این پنج ساعت صرف پرواز شده بود و سه ساعت اختلاف آفاق این دو شهر بود. نزدیک ظهر از پیکره بیرونی که به همین مناسبت ساخته شده بود با ساز و سرود پرده بر گرفتند، و کار رسمی کنگره از ساعت پنج بعد از ظهر آغاز شد. تعداد میهمانی که از دیگر کشورها فراخوانده شده بودند از ده نفر تجاوز نمی‌کرد، یعنی به اندازه‌ای میهمان دعوت کرده بودند که از عهده میزبانی نیک بر آیند.

موضوع سخن من در این کنگره یکی اشاره‌ای به ترجمه‌های فارسی آثار بیرونی بود، و دیگر: **تشابه اطلاعات بیرونی در مسائل زمین شناسی با گرجی مؤلف «انباط الهمیاه الخفیه» که حدود نیم قرن پیش از بیرونی می‌زیسته.**

استاد عبیدالله کریموف مصحح و شارح کتاب الصیدنه، ترجمان سختم شد. پس از پایان بحث رزفقد استاد تاریخ علوم دانشگاه مسکو به پاخاست و زبان به ستایش گشود و گفت: ما خدیو بجم را سالهاست که می‌شناسیم، انتشار کتاب استخراج آبهای پنهانی او و دیگر ترجمه‌هایش از کتابهای علمی اسلامی مانند جبر و مقابله و غیره ثابت کرده‌ی در کار خویش امین و استاد است، و من ترجمه روسی آبهای پنهانی را به یاری ترجمه او در دست تهیه دارم. دو روز صرف این کنگره شد. روز شانزدهم شهریور ماه به تماشای آثار باستانی شهر سمرقند رفتم. در آنجا دل عبرت بین چیزها دید که وصفش در این مختصر ننگنجد. آنگاه هنگام اجابت دعوت آکادمیسین محمد عاصمی رئیس فرهنگستان تاجیکستان فرا رسید.

روز ۱۸ شهریور در صحبت دکتر عبدالکریم الیافی - استاد دانشگاه سوریه - رهسپار شهر دوشنبه شدیم. در فرودگاه این شهر گروهی از استادان رشته‌های مختلف به استقبال آمده بودند. پس از خوش آمدگویی و معارفه وارد شهر دوشنبه شدیم و در باغی بزرگ بوستان نشین گشتم. چون لهجه فارسی خراسانی و تاجیکی بسیار به هم نزدیک است بی‌حضور مترجمان با دانشوران این دیار ساعتها به بحث نشستیم و از کارهایی که دانشمندان ایران بدین مناسبت انجام داده‌اند - یا در دست تهیه دارند - آنچه می‌دانستم برایشان روایت کردم. به هنگام عصر به دیدن «دریای ورزاب» رفتم - یعنی رودخانه ورزاب، زیرا در لهجه خراسانی



کنگره یرونی دد مسکو



به رودخانه دریا می‌گویند - شب فرا رسید و ما را به تماشای باله « لیلی و مجنون » بردند. رقاصه‌ای به نام « ملکه صابروا » با جوانی به نام « غضنفر » به راستی با نیروی هنر داستان این دو دلباخته افسانه‌ای را زنده کردند .

چاشتگاه روز دوشنبه نوزدهم شهریور ، کارکنگره بیرونی در شهر دوشنبه آغاز شد . پس از گزارش رئیس کنگره چهار تن از بیرونی شناسان به روسی و فارسی سخن گفتند، آنگاه نوبت به من رسید . چون بر اثر بحث‌های خفک علمی و طولانی شدن سخنرانیها احتمال می‌رفت جمعیتی که همه صدلی‌های تالار کنگره ، حتی راهروها را ، پر کرده بودند خسته و ملول شده باشند ، بهتر دیدم که با سخنی دلنشین در دلها راه یابم ، بنابراین پس از سلام ، خطاب به حاضران گفتم :

من نه آنم که دوصد مصرع رنگین گویم      من چو فرهاد یکی گویم و شیرین گویم  
سخن از دل برخاسته کار خود را کرد ،      و تا پایان بحث کوتاه خویش که در باره  
« گروهی بودن شکل زمین و آب دریاها از نظر بیرونی » ایراد شد ، در طول  
سخن چشمها و گوشها و دهلای حاضران را در اختیار داشتم . اصل و خیراین سخنرانی چند  
بار از رادیو تاجیکستان پخش شد .

به هنگام عصر دکتر رعدی از ایران و استاد خلیلی از افغانستان و گروهی دیگر از دانشوران آسیایی و افریقایی برای شرکت در کنگره ابوریحان بیرونی وارد تاجیکستان شدند . روز یستم شهریور نیز صرف کنگره شد ، در این روز دکتر رعدی و استاد خلیلی سخن گفتند، من نیز ترجمان چکامه شاعر سودانی « جیلی عبدالرحمن » شدم که تاجیکان را سخت پسند افتاد. روز ۲۱ شهریور به تماشای شهر نازک رفتیم و از تأسیسات سد عظیم این شهر دیدن کردیم . پنجشنبه ۲۲ شهریور صرف تماشای بخارای حافظ بخشیده شده. روز جمعه ۲۳ شهریور به مسکو باز گشتم .

ایام فراغت صرف گفت و گذاردن مراکز فرهنگی و هنری شهر مسکو شد، روز چهارشنبه ۲۸ شهریور پیک سفیر ایران جناب محمد رضا امیر تیمور مژه آورده امشب بزمی داریم ، برای هموار شدن رنج غربت می‌توانی در این بزم با ما شریک شوی ، چون دعوتی بیریا بود اجابتش لازم نبود . ساعتی چند در صحبت گروهی از پاکدلان گلویی تر و دماغی تازه شد که خاطره ای خوش برجای گذاشت .

هنگام پرواز به ایران فرا رسید، شاد و امیدوار به وطن باز گشتم و شب جمعه در تهران سر بریستر آسایش نهادم . در برنامه جمعه شب تلویزیون یکی از مسؤولان این مرکز به هنگام مصاحبه با خاور شناس انگلیسی الولساتن - مترجم دمی با خیام دشتی - گله کرد که چرا جوانان در کنگره بیرونی حاضر نمی‌شوند ، این سخن تا حدی بر من گران آمد ، اما چون صبح شنبه در محل برگزاری این مراسم حاضر شدم دریافتم که دستداران بیرونی گناهی ندارند. برای آنکه رفت و برگشت به این محل - صرف نظر از هزینه گزافی که برای مردم تهیدست به همراه دارد - باعث اتلاف چندین ساعت از عمر عزیز نیز می‌شود . در مورد تصویر ناموزونی که برای بیرونی تهیه کرده بودند نیز حرفی دارم که بیان مشروح آن مجال دیگری خواهد.